

نگاهی به کاندیداهای جمهوری خواه و نقش «سوپر پک‌ها»

شهلا صمصامی

زمانی که «لیندن جانسون» قانون تساوی حقوق سیاهان را امضاء کرد، به یکی از نزدیکانش گفت که می‌داند با این کار خود حزب جمهوریخواه را بویژه در ایالات جنوبی تحت نفوذ دست راستی‌ها قرار داده است. «اونجلیست»ها و دست راستی‌های افراطی پیش از آن در حاشیه و در اقلیت کامل بودند. ولی به تدریج، پس از سال‌های ۶۰، قدرت یافتند و شاید بشود ادعا کرد که امروز اگر در اکثریت حزب جمهوریخواه نباشند، از نظر ایدئولوژی، قدرت و نفوذ این حزب را در اختیار دارند. مبارزات انتخاباتی جمهوریخواهان برای تعیین کاندیدایی که در ماه نوامبر در مقابل پرزیدنت «اوباما» قرار گیرد، یک پروسه شلوغ، پر رقابت و تفرقه آمیز بوده است. این انتخابات از جهات گوناگون نقش مهمی در سیاست داخلی و خارجی آمریکا خواهد داشت.

در این مبارزات انتخاباتی، اولین هدف این است که مشروعیت ریاست جمهوری پرزیدنت «اوباما» مورد سؤال قرار گیرد. برنامه‌های وی به عنوان اقداماتی که به زبان مردم آمریکا بوده و قدرت و حیثیت این کشور را در جهان از بین برده است، قلمداد می‌شود. جمهوریخواهان مصمم‌اند به هر ترتیب و قیمتی شده «اوباما» را شکست دهند.

نقش سوپر پک‌ها (Super Packs)، انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۲ را در تاریخ این کشور بی‌سابقه کرده است. تخمین زده می‌شود که این انتخابات پر خرجترین و گرانقیمت‌ترین انتخابات شاید در سراسر دنیا باشد.

این انتخابات همچنین آزمایش بزرگی برای قدرت‌نمایی سرمایه‌داران، کمپانی‌های مالی، یعنی کارخانه‌های اسلحه‌سازی، دست راستی‌های افراطی، «اونجلیست»ها و «حزب چای» و همه کسانی است که هنوز به ریاست جمهوری

ایران»

این مقاله تنها نظر یک فرد نیست. بلکه از تاکتیک‌های حساب شده‌ای است که کاندیداهای انتخاباتی روزانه از آن استفاده می‌کنند. «نوت گینگریج»، «میت رامنی» و «ریک سنتورام» که از مهمترین کاندیداهای جمهوریخواهان هستند، دقیقاً محتویات این مقاله را تکرار می‌کنند. آنها «اوباما» را رهبری ضعیف می‌دانند که نه تنها قدرت و حیثیت آمریکا را از بین برده، بلکه این کشور را در خطر بسیار بزرگی مانند تسلیحات اتمی ایران قرار داده است. آنها انقلاب مردم مصر را قبول ندارند و هنوز بر این تصورند که آمریکا صاحب جان و مال مردم خاورمیانه است. به این دلیل خروج از عراق را خیانت می‌دانند. جنگ عراق که در حقیقت بزرگترین صدمه مالی و جانی را برای آمریکا داشت و احترام و حیثیت این کشور را از بین برد، جنگی مشروع قلمداد می‌شود. علیرغم خواسته مردم عراق، که می‌گویند آمریکا می‌بایست از عراق خارج می‌شد، جمهوریخواهان، مانند زمان «کارت» که از بحران گروگانگیری سود بردند، این بار از بحران تسلیحات اتمی ایران استفاده کرده و می‌خواهند دموکرات‌ها را شکست دهند.

هر نوع عدم همکاری ایران و یا بحرانی که جمهوری اسلامی به وجود بیاورد بهترین هدیه برای جمهوریخواهان و دست راستی‌هاست. بی جهت نیست که «نوت گینگریج» خود را به «رونالد ریگان» تشبیه می‌کند و یا «ریک سنتورام» سخن از جهادیون اسلامی و قوانین شریعه می‌زند. این کاندیداها همچنین آشکارا گفته‌اند که از حمله اسرائیل به مراکز تسلیحات اتمی ایران دفاع می‌کنند.

بیاد داشته باشیم که واقعه گروگانگیری نه تنها موجب شکست «کارت» و دموکرات‌ها شد، بلکه با روی کار آمدن «ریگان»، آن بخشی از حزب جمهوریخواه که تا آن زمان در اقلیت بودند قدرت یافتند و برای سالها سیاست داخلی و خارجی آمریکا تحت نفوذ این اقلیت پر قدرت قرار گرفت.

این خطر امروز بار دیگر به وجود آمده است. این بار، مسئله اتمی شدن ایران، اسرائیل را نیز به صحنه آورده است. طرفداری بی قید و شرط کاندیداهای جمهوریخواه از دولت اسرائیل، تشویق به بمباران مراکز اتمی ایران و تجدید سیاست‌های جنگ طلبانه، معروف به «حملات پیشگیرانه» خطری بزرگ و جدی است.



رسیدن یک فرد سیاهپوست را که پدرش آفریقایی بوده قبول ندارند. همچنین می‌خواهند آمریکا به نقش خود به عنوان پلیس دنیا باز گردد و سیاست حل مشکلات از راه زورگویی و لشکر کشی را ادامه دهند. اینها دست راستی‌هایی هستند که مصمم‌اند به ایران حمله کنند و انقلاب‌های کشورهای عربی و آفریقای شمالی را در نتیجه ضعف حکومت «اوباما» می‌دانند.

آمریکا خاور میانه را رها کرده است

تاز جمهوریخواهان دست راستی و افراطی‌ها این است که سیاست‌های «اوباما» موجب شده است که آمریکا در خاورمیانه قدرت خود را از دست بدهد. در این زمینه «جان حنا» مشاور پیشین «دیک چینی» در امور امنیتی در مقاله‌ای در «لوس آنجلس تایمز» می‌نویسد که «سیاست‌های «اوباما» بطور خطرناکی ایمان به قدرت، اعتبار و اراده آمریکا را در منطقه از بین برده است. متحدان آمریکا

مانند پادشاه اردن، آشکارا واشنگتن را مورد سؤال قرار می‌دهند. زمانی که «اوباما» عجولانه انقلاب مصر را با اغوش باز پذیرفت و به مهمترین متحد آمریکا در منطقه یعنی «حُسنی مبارک» پشت کرد، این بزرگترین صدمه به حیثیت و قدرت آمریکا بود. به این دلیل پادشاه اردن در پاسخ این سؤال که آیا رهبران منطقه هنوز می‌توانند به آمریکا متکی باشند گفت: من فکر می‌کنم همه نسبت به غرب بدبین شده‌اند، بویژه زمانی که دیدند چگونه به سرعت به «مبارک» پشت کردند.» «جان حنا» ادامه می‌دهد که «سران خاورمیانه احساس ناامنی می‌کنند و دلایل مهم آن عقب نشینی از عراق و بزودی از افغانستان، خیانت به متحدان درازمدت آمریکا بویژه «حُسنی مبارک»، آسان گیری و سهل انگاری در مورد رژیم‌های دشمن مانند تهران و دمشق است. همچنین وعده‌های زیاده خواهانه در مورد حل درگیری فلسطینی‌ها و شکست «اوباما» در انتخاب یک نوع راه حل نظامی که این رهبران خاور میانه معتقدند تنها راه برخورد با خطر بسیار فوری تسلیحات اتمی ایران است.»

«جان حنا» استدلال می‌کند که «اینها دلایلی است که نشان می‌دهد آمریکا خاورمیانه را رها کرده و با بحران‌های متفاوتی که در این منطقه رخ داد یک خلاء قدرتی به وجود آمده که می‌تواند موجب درگیری‌های تازه‌ای شود از جمله خطر بسته شدن تنگه هرمز توسط

نقش «سوپر پک‌ها» در انتخابات آمریکا

دو سال پیش دادگاه عالی آمریکا رأی داد که کمپانی‌ها می‌توانند هر اندازه بخواهند به نفع و یا زیان کاندیدها در انتخابات پول خرج کنند. قانون انتخابات تا پیش از این رأی اینگونه بود که افراد می‌توانند تا ۲۵۰۰ دلار به کاندیدها و کمیته انتخاباتی آنها بدهند. هر آگهی که گذاشته می‌شد در زیر آن باید نوشته می‌شد چه گروه و یا چه کسانی آن را تأیید می‌کنند به این معنی که مخارج آن را پرداخته‌اند. این قانون در ۱۹۷۰ پس از واقعه «واتر گیت» برای کنترل بیشتر پروسه انتخابات به وجود آمد. ولی رأی دادگاه عالی بنام «سیتیزن یونایتد» تغییرات بسیار مهمی در این زمینه بوجود آورد. به اینگونه که تا قبل از این رأی، شخصی مانند «شلدون ادلسون» (Sheldon Adelson) میلیاردر معروف و صاحب کازینوی «ونی شین» در لاس وگاس تنها می‌توانست ۲۵۰۰ دلار به دوست قدیمی‌اش

نوت گینگریج بدهد. ولی اکنون این ثروتمند به سادگی می‌تواند یک چک ۷ رقمی بنام آقای «تایلر» یکی دیگر از دوستان گینگریج بنویسد. آقای تایلر که تا چند ماه پیش برای گینگریج کار می‌کرد حالا «سوپر پک» او را به وجود آورده است. بر اساس رأی دادگاه عالی، «سوپر پک»ها باید مستقل از کاندیدها باشند و حتی نباید با کاندیدا در مورد متن آگهی‌هایی که به نفع کاندیدای خود و به زیان رقبای او می‌گذارند صحبت و مشورت کنند. آقای گینگریج هم می‌تواند ادعا کند که هیچ اطلاعی از متن آگهی که برای مثال بر علیه «رامنی» گذاشته شده است ندارد.

آقای رامنی هم سوپر پک خودش را دارد که همین کار را می‌تواند انجام دهد. «سوپر پک» او بنام «احیا کردن آینده‌ها» توسط دوست قدیمی «رامنی» که دفتر وکالت و لابی در واشنگتن دارد، اداره می‌شود.

«سوپر پک» «ستورام» بنام «قرمز، سفید آبی» (رنگ‌های پرچم آمریکا) میلیون‌ها دلار جمع‌آوری و خرج انتخابات می‌کند. پرزیدنت اوباما نیز «سوپر پک» خودش را دارد؛ شخصی بنام «بیل برتون» که در سال ۲۰۰۸ در مبارزات انتخاباتی اوباما سخنگوی او بود تخمین زده می‌شود که این شخص، ۱۰۰ میلیون دلار پول جمع‌آوری کند.

نقشی که «سوپر پک‌ها» امروز در انتخابات این کشور در تمام سطوح پیدا کرده‌اند، در نهایت شکستی برای دموکراسی و انتخابات آزاد است. دادگاه عالی برای باز

گذاشتن دست ثروتمندان، کمپانی‌ها و اتحادیه‌ها در انتخابات دلایلی آورده است که به نظر، دست کم، ساده لوحانه می‌آید. قضاتی که رأی مثبت دادند همگی توسط رؤسای جمهور جمهوریخواه انتخاب شده بودند. متأسفانه اولین اصل قانون اساسی را که آزادی بیان است به شرکت‌ها، کمپانی‌ها و گروه‌ها داده‌اند. در حالی که نیت واقعی قانون اساسی، آزادی بیان افراد است و شرکت‌ها فرد نیستند. به یک معنی، کمپانی‌ها شخصیت حقوقی هستند نه حقیقی. این قضات در رأی خود ادعا می‌کنند که «پول‌هایی که توسط کمپانی‌ها خرج می‌شود به فساد دامن نمی‌زند. زیرا که این گروه‌ها از کاندیدها و مبارزات انتخاباتی آنها جدا هستند و خطر اینکه این هزینه‌ها برای تعهدات نادرست از طرف کاندیدها صرف شود نیست.»

مسخره بودن این استدلال وقتی بیشتر مشخص می‌شود که حتی خود کاندیدها با حضور و سخنرانی در جلساتی که به منظور پول جمع کردن تشکیل می‌شود، ثابت کرده‌اند که تحت نفوذ «سوپر پک‌ها» هستند. بطور یقین میلیون‌ها دلاری که سوپر پک‌ها خرج کاندیدایی می‌کنند به دلیل منافی است که قرار است از این کاندیدا در آینده به دست آورند.



ایدئولوژی کاندیدهای جمهوریخواه

در جلسه مناظره بین کاندیدهای جمهوریخواه در ایالت فلوریدا، بخشی از پرسش‌ها، از جانب حاضران در جلسه بود. نوبت به مرد جوانی رسید که خطاب به کاندیدها گفت:

«من یک فلسطینی آمریکایی و جمهوریخواه هستم. می‌خواستم بدانم برنامه شما برای حل مسئله فلسطین چیست؟ بویژه وقتی می‌گویند که ملت فلسطین وجود ندارد.» بخشی از این پرسش اشاره به سخنان نوت گینگریج بود که گفته بود ملتی بنام فلسطین وجود ندارد.

در پاسخ این مرد فلسطینی-آمریکایی، ابتدا «میت رامنی» صحبت کرد و بلافاصله به حماس حمله کرد و گفت: «در جایی که یک گروه تروریستی مانند حماس وجود دارد که هدفش نابودی اسرائیل است و موجودیت اسرائیل را قبول ندارد و حتی رهبران فتح چنین عقیده‌ای دارند، نمی‌توان صحبت از صلح کرد.» سپس به پرزیدنت اوباما حمله کرد و گفت: «اوباما از ابتدا به مهمترین متحد آمریکا یعنی اسرائیل پشت کرد و به بنیامین نتانیاهو بارها بی‌احترامی نشان داده است. حماس تنها در ماه دسامبر ۱۱ موشک به اسرائیل

جمهوری خود، قانون بیمه بهداشت همگانی را که به «اوباما کر» معروف است لغو کنند و به جای آن مردم خودشان از بازار آزاد بیمه خریداری کنند. به این معنی که شرکت‌های عظیم بیمه بار دیگر تمام بازار را در دست گرفته و هر نوع نرخی می‌توانند بگذارند. بدون شک این به نفع شرکت‌های بیمه است و ۸۰ میلیون مردمی که بیمه ندارند و درآمد کافی برای خرید بیمه هم ندارند به امید خدا گذاشته می‌شوند. یکی از مهمترین راه‌حلهایی که کاندیداها برای رفع بیکاری و مشکلات اقتصادی دارند کم کردن مالیات کمپانی‌ها و افراد ثروتمند است چون آنها قرار است کار برای مردم ایجاد کنند.

جالب اینست که همه کاندیداها شاید بجز «ران پال»، میلیونر و میلیاردر هستند. میت رامنی که بالاخره مجبور شد مدارک مالیاتی دو سال گذشته را بیرون دهد، نشان داد که در سال ۲۰۱۰ بیش از ۲۰ میلیون دلار درآمد داشته است که تنها ۳ میلیون دلار مالیات پرداخته که نرخ مالیاتی‌اش در حدود ۱۳ درصد است. نرخ مالیاتی برای مردم عادی و طبقه متوسط و کسانی که مزد بگیر هستند در حدود ۳۵ درصد است. در سال ۲۰۱۱، درآمد «رامنی» نزدیک به ۲۱ میلیون دلار بوده است. گفته می‌شود ثروت وی و همسرش بین ۱۹۰ تا ۲۵۰ میلیون دلار است.

درآمدهای رامنی همه از سود و بهره پول و سرمایه‌ای است که در داخل و خارج از آمریکا دارد، از جمله حساب‌های بانکی در سوئیس، بانک ملی یونان، یک شرکت بیمه عمر چینی، یک کمپانی بزرگ وسائل ارتباط جمعی در ترکیه و در برخی از جزایر خارج از آمریکا که بسیاری از ثروتمندان حساب‌های مخفی بانکی در آن جا دارند. بنا به گفته یکی از کارشناسان سیاسی، جمهوریخواهان بویژه، همیشه طرفدار این شعار بودند: «در آمریکا سرمایه گذاری کن و اجناس آمریکایی بخر». در حالی که «رامنی» نه تنها نمونه فردی از یک در صدی‌ها در آمریکاست، بلکه به عنوان رئیس جمهور مشکل بتواند ادعا کند مسائل و مشکلات مردم عادی را درک می‌کند.

بنابراین می‌بینیم حتی «رامنی» که ثروت قابل ملاحظه‌ای دارد نه تنها مالیات بسیار کمی پرداخته بلکه کاری برای کسی به وجود نیاورده و تقریباً تمام درآمدش از سود سرمایه گذاری‌هایش در بانک‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات مالی در داخل و خارج از آمریکا بوده است.

پرتاب کرده است.» او سپس خطاب به جمعیت گفت: اگر همسایه شما به طرف تان موشک می‌فرستاد آن را علامت صلح می‌دیدید یا جنگ. رامنی از این فرصت استفاده کرده و نه تنها به پرزیدنت اوباما حمله کرد بلکه به فلسطینی‌ها پیشنهاد داد که اسرائیل را به عنوان یک کشور یهودی به رسمیت بشناسند. او هیچ گونه اشاره‌ای به صلح و یا ایجاد دو ملت مستقل نکرد.

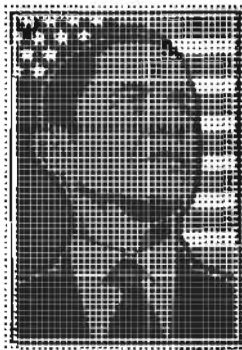
گیتگریچ صحبتش را با این جمله شروع کرد: «زمانی که من به ریاست جمهوری آمریکا بوسم، در اولین روز، اولین کارم اینست که پایتخت اسرائیل را از تل آویو به اورشلیم انتقال دهم.» سپس در تأیید سخنان پیشین خود گفت: «فلسطینی‌ها مردمی ابداع شده هستند. آنها از عرب، لبنانی، مصری و غیره تشکیل شده‌اند.» سپس به اوباما حمله کرد و اینکه بازگشت به مرزهای ۱۹۶۷ یک اشتباه بزرگ است. به اینگونه، هیچ کدام از کاندیداها نه تنها راه حلی برای ایجاد صلح و یا تشکیل کشور مستقل فلسطین ارائه ندادند بلکه موجودیت ملتی

بنام فلسطین را که چند هزار سال سابقه تاریخی دارد منکر شدند و از دولت اسرائیل بدون هیچ قید و شرط پشتیبانی کردند.

وقتی که پرسش در مورد برقراری نوعی روابط تجاری با کشور کوبا مطرح شد، ریک ستوروم با حوارت بسیار با برقراری هرگونه رابطه‌ای با دولت کمونیستی کوبا مخالفت کرده و مجدداً اوباما را مورد انتقاد قرار داد و گفت: «در حالی که اوباما به دنبال بهار عربی و انقلاب‌های مصر و لیبی بوده است، همسایگان جنوبی خود یعنی کشورهای آمریکای لاتین را فراموش کرده و سیاست‌های وی موجب شده است که رهبرانی مانند چاوز قدرت یافته و جهادیون اسلامی ایرانی تعلیمات تروریستی در کوبا به راه بیاندازند.»

اینها نمونه‌هایی از ایدئولوژی کاندیداهاى جمهوریخواه است که نمایانگر ارتجاعی ترین و افراطی ترین سیاست‌ها و عقاید می‌تواند باشد و بسیاری از ادعاهای آنها ساختگی و دور از واقعیت است. به غیر از «ران پال» که همیشه مخالف جنگ و دخالت نظامی آمریکا بوده است، همه کاندیداها شعار بازگشت به آمریکای قوی و رهبری دنیای آزاد را که قرار است دموکراسی را در جهان با زور پیاده کند، می‌دهند. اینها مخالف پایان جنگ عراق بوده و همگی خواهان شروع جنگ دیگری هستند که بهترین کاندیدا در حال حاضر ایران است.

همه کاندیداها می‌خواهند در اولین روز ریاست



کاندیدها و مذهب

ایدئولوژی دیگری که تمام کاندیداها به آن معتقدند، نقش مذهب در سیاست و جامعه است. آنها می‌گویند در قانون اساسی آمده است که «ما همه تحت لوای یک خدا هستیم.» و منظور از خدا، مسیحیت است. به این گونه آمریکا یک کشور مسیحی است ولی بویژه از زمان ریاست جمهوری اوپاما یک جنگ مذهبی در این کشور بوجود آمده است؛ جنگ علیه مسیحیت.

کاندیدها اصل مهم جدایی دین از حکومت را که در قانون اساسی آمده است نادیده گرفته اند و پیشنهاد آنها اینست که باید اصول مذهبی و اخلاقی به این کشور باز گردد؛ مانند غیر قانونی بودن سقط جنین، حتی در موارد تجاوز جنسی و یا در خطر بودن جان مادر، غیر قانونی بودن ازدواج همجنس‌گرایان، برقراری دعا در مدارس آن هم دعای مسیحی، بازگشتن ضوابط اخلاقی و احترام خانواده یعنی

ازدواج یک زن و یک مرد، داشتن فرزند پس از ازدواج و غیر قانونی بودن قرص‌های ضد حاملگی. (از عقاید دیک ستورم) آنچه کاندیداها برای اداره این جامعه در نظر دارند به یک حکومت مذهبی (تنوکراسی) نزدیکتر است تا دموکراسی. حکومتی که در آن داشتن اسلحه کاملاً آزادست. ستورم در یکی از سخنرانی‌هایش گفت که افتخار می‌کند از پنسیلوانیا می‌آید، جایی که گفته می‌شود باید تفنگ‌ها و انجیل‌هایتان را با هم حمل کنید.

کاندیدها جامعه‌ای را تصویر می‌کنند که کمک‌های دولتی به مردم فقیر، سالمندان و افراد علیل جایز نیست. زیرا این نوع برنامه‌ها به منزله برقراری یک حکومت سوسیالیستی است و به اعتقاد آنها همان چیزی است که امروز اوپاما در آمریکا به وجود آورده است.

آمریکا تحت ریاست جمهوری اوپاما یک کشور سوسیالیستی، ضعیف، غیرمسیحی و بیگانه پرست شده است. تنها راه نجات، روی کار آمدن یک جمهوریخواه است که مانند ریگان بتواند با زور و قدرت این کشور و دنیا را نجات داده، اخلاق و مذهب را به جامعه باز آورد و بار دیگر بزرگترین قدرت جهان شود.

سال آئینسکی کیست؟

این روزها در مبارزات انتخاباتی جمهوریخواهان

نامی شنیده می‌شود که شاید ۹۹ درصد از مردم آمریکا هرگز این نام را نشنیده‌اند. نوت گینگریج ضمن حملات شدیدش به پرزیدنت اوپاما و اینکه او مانند رهبران سوسیالیستی و کمونیستی است، به «سال آئینسکی» اشاره کرد که اوپاما تحت تأثیر اوست.

با تحقیقاتی معلوم شد «سال آئینسکی» یک فعال سیاسی دست چپی در سال‌های ۱۹۶۰ بوده است که در شیکاگو برای مردم فقیر و رانده شده از جامعه فعالیت می‌کرده است. وی کتابی نوشته است بنام «قواعد برای رادیکال‌ها» «Rules for Radicals» و در آن ۱۳ قاعده را ذکر کرده است. آئینسکی تحت تأثیر چپ و کمونیسم اروپا بویژه پدر کمونیسم ایتالیا، «آنتونیو گرامشی» و «Antonio Gramsci» بوده و هدفش بسیج کردن مردم فقیر و کمک به آنها بوده است. ظاهراً در میان راست افراطی این نام شناخته شده است، زیرا برخی از تاکتیک‌های او را استفاده کرده‌اند. گفته می‌شود که «دیک آرمی» از بنیان‌گذاران «حزب چای» خواندن کتاب آئینسکی را به رهبران حزب توصیه کرده است؛ زیرا خواندن این کتاب را برای سازمان دهی توده مردم بسیار مفید می‌دانسته است.



در زمان فوت آئینسکی، اوپاما ۱۰ ساله بوده است. هیچ مدارک و شواهدی وجود ندارد که اوپاما را به آئینسکی ارتباط دهد. اگر چه هر دو در دو زمان متفاوت در شیکاگو به طبقات فقیر کمک می‌کردند ولی ایدئولوژی و روند بسیار متفاوتی داشته‌اند. برخورد آئینسکی شاید بشود گفت رادیکال و ستیزه جویانه تر بوده، در حالی که اوپاما همیشه رویه‌ای صلح آمیز و سازشکارانه داشته است.

در سال‌های ۶۰ در شیکاگو که فقر و اختلاف طبقاتی حتی بیش از زمان حاضر وجود داشته است، بویژه سیاهان و اقلیت‌ها تحت فشار بسیار شدیدی بودند و آئینسکی یک یهودی مترقی و فعال دست چپی بوده که به مردم طبقات ستم دیده کمک می‌کرده است. جالب اینست که در میان کاندیداها کسی که بیش از همه شبیه «سال آئینسکی» صحبت می‌کند خود «نوت گینگریج» است. یکی از قوانین آئینسکی استفاده از تمسخر بوده است که گینگریج استادانه این کار را انجام می‌دهد. آئینسکی ثروتمندان و سیاستمداران پر طمع را به عنوان دشمن و شیطان صفت می‌دید. این درست نحوه برخورد گینگریج و سایر کاندیداهاست که به جای ثروتمندان، مخالفان خود را

دست کم باید ۳۰ درصد مالیات بپردازند. این پیشنهادی بود که «وارن بافت» میلیاردر بنام کرده است. این سخنرانی در روزی بود که «میت رامنی» مدارک مالیاتی‌اش را بیرون داده بود.

در پایان او با تأکید را بر وطن پرستی گذاشت. چیزی که بطور سنتی جمهوریخواهان از آن استفاده می‌کنند و دموکرات‌ها را در این زمینه ضعیف تر می‌دانند. او با آشکارا از واقعه کشته شدن «بن لادن» به دست «دریانوردان ویژه» سخن گفت و آنکه چگونه بینش و نظم و برنامه ریزی و کار دسته جمعی این گروه‌ها می‌تواند رهنمودی برای دولت و مردم باشد.

این دریانوردان پرچمی با امضاء همه اعضای این گروه به پرزیدنت او با داده بودند. او با اشاره به آن، گفت: «هر بار که به این پرچم نگاه می‌کنم، بیاد می‌آورم که سرنوشت ما به یکدیگر پیوسته است، مانند آن ۵۰ ستاره و ۱۳ نوار روی پرچم آمریکا.»

او با همچنین گفت: «هیچ کس به تنهایی این کشور را نساخت، این ملت به این دلیل مهم است، زیرا همگی آن را با هم ساختیم، این ملت بزرگ است به این دلیل که ما پشتیبان یکدیگر بودیم.»

این مهمترین پاسخ به جمهوریخواهانی است که دائم از جدائی و آزادی ایالات از دولت فدرال سخن می‌گویند. سخنان پرزیدنت همچنین یادآور این واقعیت است که قانون اساسی آمریکا یک وسیله همبستگی بود که برای اتحاد ایالات نوشته شده بود نه برای جدائی و آزاد ساختن آنها. انتخابات نوامبر ۲۰۱۲ بدون شک یک انتخابات تاریخی و بسیار مشکل خواهد بود. رهبران و گردانندگان حزب جمهوریخواه به نظر می‌رسد طرفدار «میت رامنی» هستند و علیرغم نکات ضعف او، وی را بهترین کاندیدا در مقابل او با می‌دانند. پول و ثروت زیادی از جانب کاندیداها و سوپر پک‌های آنها خرج خواهد شد. این انتخابات زشت، پر دروغ، انتقاد آمیز و جنجالی خواهد بود. حوادث غیر قابل پیش بینی نیز می‌توانند در نتایج این انتخابات تأثیر بسیار زیادی داشته باشند.

بنا به گفته یکی از مفسرین سیاسی، این انتخابات جنگ و زور آزمایی واقعی بین جمهوریخواهان، کمپانی‌ها و ثروتمندان طرفدار آنها و دموکرات‌ها، دست چپی‌ها، اتحادیه‌ها که بطور تاریخی طرفدار دموکرات‌ها هستند می‌باشد. این انتخابات تنها برای انتخاب رئیس جمهور نیست بلکه روند سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این جامعه را می‌تواند برای سال‌ها از نظر داخلی و خارجی معین کند.

به عنوان کمونیست و شیطان می‌بینند. ارتباط دادن آلیسنکی به او با مانند مسلمان بودن، غیر آمریکایی بودن و یا سوسیالیست بودن از جمله تاکتیک‌هایی است که هدفش ساختن تصویری از او با به عنوان یک فرد عجیب، مرموز و خطرناک است.

تصویر دیگری از یک رئیس جمهور

«جو کلاین» مفسر سیاسی نشریه تایم در مقاله‌ای در مورد سخنرانی سالانه او با در جلسه مشترک کنگره معروف به «State of the Union» می‌نویسد: «پس از ماه‌ها شنیدن صحبت‌های تحقیرآمیز و ایدئولوژیک کاندیداهاى جمهوریخواهان، از دیدن و شنیدن سخنان رئیس جمهور واقعی آمریکا احساس آرامش کردم.» سخنرانی او با نه تنها پاسخی به محتوای صحبت‌های کاندیداها بلکه عکس العملی در مقابل نحوه و روحیه این مبارزات بود. با مشاهده او با و شنیدن سخنانش غیر ممکن بود که تصویر «رادیکال ترین رئیس جمهور آمریکا» را، یعنی آنطور که «نوت گیتگریچ» و سایر کاندیداها او را می‌بینند، دید. همچنین مشکل بود او را به شکل رئیس جمهور یک کشور اروپایی سوسیالیست و «نظام رفاه اجتماعی» (Well fare State) دید. کسی که گفته می‌شود در سیاست خارجی ضعیف است، سخنرانی‌اش بطور صمیمانه‌ای وطن پرستانه بود؛ از تحسین «دریانوردان ویژه» (Navy Seals) گرفته تا «جنرال موتور». پرزیدنت گفت: «چنانچه شرایط مناسب باشد آمریکا همیشه برنده است.»



در این سخنرانی او با اعتماد به نفس و روحیه‌ای مثبت داشت. با اشاره به ۳ میلیون شغل که در ۲۲ ماه گذشته به وجود آمده است، از جمله ۱۶۰ هزار در صنعت اتومبیل سازی، و شاید در پاسخ انتقادهای کاندیداها گفت: «کسانی که بر این باورند که آمریکا در حال سقوط است و نیروهایش تحلیل رفته است، نمی‌دانند چه می‌گویند.»

او با در عین حال در مقابل انتقاد جمهوریخواهان، از ابراهام لینکلن نقل قول کرد و گفت: «دولت کارهایی را برای مردم انجام می‌دهد که خودشان قادر نیستند به نحو بهتری آن را برای خویش انجام دهند.»

وی چندین بار از یک دولت ساده تر و مؤثرتر سخن گفت. در مورد مالیات‌ها بار دیگر گفت کسانی که بیش از یک میلیون دلار در سال درآمد دارند

عاشقانه نوروز شر خنده و سال نو را به همه هموطنان
 تهنیت می گوید و سالی سبز و روشن
 برای همگان آرزو می کند.

ای که نور جان و دینار ما
 گردن کنده بیدار ما
 این ز تو روزان زمستان و بهار
 این تو گر گلشنه ایام و بهار
 این ز تو تصویر حال و سال ما
 حال ما را آن تو خوشتر حال ما
 عشق که کنی

سال نو مبارک



هر ایام نوروز
 ۱۳۹۱
 منتشر می شود

انتشار ان عاشقانه تقویم می کند

پلویج و تقویم جیبی عاشقانه

The Iranian Yellow Pages of Texas
 پلویج ایرانیان تگزاس



تقویم دیواری عاشقانه
 (۱۳۹۱-۲۰۱۲)

چرا نام و آگهی شغل شما در پلویج جیبی
 و تقویم دیواری عاشقانه باشد؟

۷۱۳-۹۷۳-۸۶۸۶

